

علل و عوامل انحرافات جنسی از دیدگاه قرآن و روایات

سهراب مروتی^۱، فرحناز وحیدنیا^۲، عماد صادقی^۳، امیر فتاحی^۴

چکیده

پیدایش و گسترش انحراف‌های جنسی از مهم‌ترین زمینه‌های سقوط و تباهی هر جامعه به شمار می‌رود. از این رو، پژوهش در مورد عوامل پیدایش این آسیب، اهمیت ویژه‌ای دارد و نقش بسزایی در پیشگیری از بروز آن خواهد داشت. در پژوهش حاضر به این مهم پرداخته شده و با تحلیل آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، عوامل پیدایش این انحراف بررسی شده است. در این راستا، ابتدا به مفهوم‌شناسی انحراف جنسی، سپس به بررسی مصادیق، عوامل و زمینه‌های پیدایش این انحراف از دیدگاه آموزه‌های قرآن و حدیث پرداخته شده است. از جمله این عوامل می‌توان به مواردی همچون عدم تمکین زناشویی، آزادی‌های کاذب و روابط نادرست پیش از ازدواج اشاره کرد.

کلید واژه: انحراف جنسی، میل جنسی، رفتار جنسی، ناپهنجاری جنسی.

۱. دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول). Email: sohrab_morovati@yahoo.com

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن، گرایش علوم قرآن و حدیث. Email: farahnaz.vahidnia@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران. Email: emadsadeghi36@ut.ac.ir

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام. Email: amirfatah313@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۰۶

میل جنسی یکی از مهم‌ترین گرایش‌ها و نیازهای زیستی انسان است و بقای نسل، حیات و آرامش روحی انسان به این میل و گزینه بستگی دارد. اگر این گزینه در مسیر حقیقی خود قرار گیرد، سعادت دنیا و آخرت انسان تأمین می‌شود، ولی اگر به انحراف کشیده شود، مشکلات و آسیب‌های جبران‌ناپذیر روانی، اخلاقی و اجتماعی را برای انسان به وجود می‌آورد. از این رو، انحراف‌ها و ناپهنجاری‌های جنسی، از مهم‌ترین آسیب‌های اخلاقی در تاریخ بوده است. امروزه نیز با گسترش و تنوع یافتن ارتباطات و وسایل ارتباطی، این آسیب اخلاقی، چه در شیوه و چه در کمیت رو به افزایش است. هرچند بروز این آفت در کشورهای غربی نسبت به جوامع اسلامی قابل مقایسه نیست، از آنجا که کارآمدترین حربه جهان غرب برای تضعیف اقتدار ملی سایر جوامع، ترویج انحرافات اخلاقی و جنسی از طریق تهاجم فرهنگی و براندازی نرم است، پژوهش‌هایی با چنین موضوعاتی لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

اسلام که دین فطرت و رحمت است، برای مهار این گزینه و قرار گرفتن آن در مسیر واقعی خود، علل و عوامل پیدایش انحراف در این حوزه اخلاقی را مورد تأکید قرار داده که بی‌توجهی به این عوامل، کیفی‌های دردناکی را متوجه فرد و جامعه خواهد ساخت و فرد و جامعه را از مسیر حقیقی و واقعی خود بازمی‌دارد. به همین دلیل، لازم است تدابیر مناسبی برای رویارویی با این مشکل در حال گسترش اندیشیده شود. در ادامه، نمونه‌های این انحراف و عوامل بروز آن از دیدگاه قرآن کریم و روایات بررسی می‌شود.

الف) مفهوم شناسی

۱. انحراف جنسی

معجم مقاییس اللغة در مورد واژه «انحراف» چنین می‌نویسد: «سه حرف اصلی آن «ح، ر، ف» هستند و «انحراف» یعنی عدول از حد و اندازه چیزی و انحراف از چیزی گفته می‌شود منحرف شد از آن» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴۲/۲) که آیه چهل و ششم از سوره نساء نیز به آن اشاره دارد. راغب اصفهانی نیز در مفردات بیان می‌دارد: «حرف الشَّء یعنی، لبه و جانب چیزی و انحراف عن کذا و تحرف و احتراف یعنی منحرف شد و از آن عدول کرد» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۴۷۱/۱).

در تعریف انحراف جنسی، تعریفی دقیق و مورد پذیرش همگان در دست نیست و جامعه-شناسان، زیست‌شناسان، علمای علم اخلاق و روان‌شناسان با یکدیگر توافق کامل و کلی ندارند. جامعه‌شناسان چنانچه روش‌های لذت یا ارضای جنسی مورد قبول و تصویب جامعه نباشد، آن را انحراف جنسی می‌دانند. زیست‌شناسان در روابط جنسی فقط به تولید مثل و بقای نوع توجه دارند و هر آمیزشی که در راه نیل به این هدف نباشد، از نظر آنها انحراف جنسی محسوب می‌شود. از نظر اخلاقی نیز به هر نوع ارضای جنسی که مورد نکوهش قرار گیرد و بلافاصله احساس ندامت به فرد دست دهد، انحراف جنسی گفته می‌شود و کسی که برخلاف تکلیف رفتار کند و مرتکب خلاف اخلاق شود، دچار ندامت و پشیمانی می‌گردد و از عذاب وجدان رنج می‌برد و خود را خوشبخت و سعادتمند نمی‌یابد (ستوده، ۱۳۷۸).

روانشناسان، انحراف جنسی را عبارت از آن دانسته‌اند که فرد از حالت تعادل روانی و رفتاری خارج شود که این امر، خود ناشی از به هم خوردن وحدت درون است که جامعه‌شناسان آن را نوعی رفتار تبه‌کارانه خلاف موازین اجتماعی مورد قبول دانسته‌اند که وجودش را برای دوام نظام اجتماعی و عدالت، زیانبخش می‌دانند (قائمی، ۱۳۷۲).

فروید که از نامی‌ترین نظریه‌پردازان در این زمینه است، عمل جنسی را عملی می‌داند که به منظور ارضای میل جنسی انجام می‌گیرد، ولی هدف از آن، تولید و تناسل نیست. البته روان‌شناسان با انتقاد از این تعریف بر این باورند که تعریف فروید، بسیاری از افراد غیر منحرف را نیز در بر می‌گیرد. آنها اعتقاد دارند انحراف جنسی عبارت است از:

عملی که به منظور ارضای تمایلات جنسی صورت می‌گیرد ولی عمل مذکور، برخلاف عرف معمول بوده و اکثریت مردم به انجام آن عمل هماهنگی ندارند و منحرف، به عمل انحرافی اعتیاد پیدا می‌کند و در واقع می‌توان گفت منحرف، شخصی است که تحت تأثیر بدآموزی محیط قرار گرفته، بدون اینکه هدف توالد و تناسل داشته باشد و بدون توجه به هنجارهای موجود، به اعمالی دست می‌زند که یک نوع عمل جنسی است. پس به طور کلی، هرگاه عمل جنسی از معیار و مقیاس عادی خارج شود، اصطلاح انحراف جنسی مطرح است (کج‌باف، ۱۳۷۸، ۵۶).

با ژرف‌نگری درمی‌یابیم که این تعاریف، دقیق و جامع نیستند و اختلاف‌هایی نیز در میان آنها وجود دارد. برای نمونه در مورد تعریف اخلاق‌شناسان باید گفت ندامت و پشیمانی، در



ابتدای انحراف است و زمانی که فرد به صورت پی‌درپی اعمال خلاف (جنسی) انجام دهد، دیگر ندامت و پشیمانی نخستین در او از بین می‌رود. تعریف جامعه‌شناسان نیز در جوامعی که هم‌جنس‌بازی از نظر عرف و قانون مورد تأیید است، بی‌معنا می‌شود. از این‌رو، در اسلام و جامعه اسلامی به مصداق آیه هفت سوره مؤمنون، هر رفتار جنسی که خارج از چارچوب ازدواج باشد، ناهنجاری جنسی است؛ زیرا آنچه طبیعت آدمی بر آن متمایل است، همان رفتار جنسی مرد با زن در قالب ازدواج است و هر تمایل و رفتار جنسی که برای فرد یا دیگران زیان‌آور باشد، ناهنجار تعریف می‌شود:

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَعْتَابِهِمْ نَادُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ. (مؤمنون: ۵-۷)

و کسانی که پاکدامن‌اند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آوردند که در این صورت، بر آنان نکوهشی نیست. پس هر که فراتر از این بجوید، آنان از حد درگذرندگان‌اند.

دین مبین اسلام هرگونه کامیابی جنسی، اعم از آمیزش و لذت بردن سمعی یا لمسی را ویژه همسران می‌داند و غیر از آن را مایه گناه و آلودگی جامعه. برهنگی زنان که پیامدهایی همچون آرایش و عشوه‌گری را به همراه دارد، جوانان را در یک حالت تحریک همیشگی قرار می‌دهد و سبب هیجان‌های بیمارگونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روحی می‌گردد (دهقان: ۱۳۹، ۱۳۸).

۲. انواع انحراف‌های جنسی

انجمن روان‌پزشکان آمریکا ناهنجاری‌های جنسی را در موارد زیر منحصر نموده است: «عورت نمایی، یادگارپرستی، مالش‌دستی، بچه‌بازی، آزارخواهی جنسی، آزارگری جنسی، یادگارپرستی همراه با مبدل‌پوشی جنسی، تماشاگری جنسی» (حسین‌خانی، ۱۳۷۸). در این تعریف، مواردی چون زنا و آمیزش با محارم بیان نشده که نشان می‌دهد از دیدگاه آنان، این موارد را در محدوده انحرافات جنسی نمی‌دانند و انحراف به شمار نمی‌آورند.

از دیدگاه اسلام انحرافات جنسی افزون بر آنچه گفته شد، موارد زیر را نیز در بر می‌گیرد: همجنس‌گرایی، دیگرآزاری (لذت بردن از آزار دادن شریک جنسی)، خودآزاری (لذت بردن از ایجاد درد در خود به وسیله خود یا دیگران)، سادومازوخیسم (لذت بردن از آزار دادن

دیگران و آزار دیدن از دیگران)، بت پرستی جنسی (کامیابی جنسی با دیدن عضو یا شیئی از جنس مخالف)، حیوان بازی (تماس جنسی با حیوانات)، مرده پرستی (تحریک جنسی با دیدن مرده، محتضر، بیمار، مجروح و یا با حضور در قبرستان)، عریان نمایی جنسی (کسب لذت از عریان کردن خود در برابر دیگران)، نظربازی (لذت بردن فرد از دیدن اعضای بدن دیگران)، زنا با محارم (ستوده، ۱۳۷۸). برخی دیگر از رفتارهای جنسی نیز ناپسند شمرده شده‌اند، مانند استمنا، استشه‌ها، زنا، روسپی‌گری و تشابه به جنس مخالف.

یکم. استمنا

استمنا یا خودارضایی یعنی، شخص با خود کاری کند که منی از او بیرون آید. آیه هفتم سوره مؤمنون «فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ؛ و هر کس جز این راه را بخواهد، تجاوز کار است» از این عمل بسیار نهی کرده است.
روایت شده است:

شخصی از امام صادق علیه السلام در مورد این عمل (استمنا) پرسید و حضرت فرمود: «گناهی بزرگ است و کسی که مرتکب این کار زشت شود، همانند کسی است که با خود ازدواج کند و اگر من بدانم کسی با خود این عمل را انجام می‌دهد، با او غذا نخواهم خورد». آن شخص از امام سؤال کرد: «آیا از قرآن مجید دلیل بر حرمت این کار وجود دارد؟» حضرت این آیه را قرائت فرمود که: «... فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷/۳۷۵).

البته این آیه حکمی کلی را بیان می‌کند که هر کس از راه غیر ازدواج و غیر مشروع به ارضای غریزه جنسی خود بپردازد، از تجاوزگران محسوب می‌شود (فاضل مقداد، ۱۴۱۹/۱۴۴) و امام علیه السلام یکی از مصداق‌های آن را استمنا بیان نمودند.

در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام، در مورد آمیزش با حیوانات و استمنا سؤال شد. ایشان فرمود: «فِي الرَّجُلِ يَنْكِحُ بَهِيمَةً أَوْ يَدُلُّكَ فَقَالَ كُلُّ مَا أَنْزَلَ بِهِ الرَّجُلُ مَاءَهُ فِي هَذَا وَشِبْهِهِ فَهُوَ زَنِيٌّ؛ هر کس شهوتش را به این وسیله دفع کند، در حکم زنا کردن است»؛ یعنی با گناه زنا برابر می‌باشد (کلینی، ۵/۱۳۶۵، ۵۴۰). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در زشتی این عمل فرمود: «نَاكِحُ الْكَفِّ مَلْعُونٌ؛ هر کس با دست، شهوتش را خارج کند، ملعون است» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۴/۳۵۶).



دوم. لواط

یکی از انحراف‌های جنسی، آمیزش با هم‌جنس است. خلقت انسان در دو جنس مذکر و مؤنث، بیانگر آن است که خداوند، مردان و زنان را به ازدواج با یکدیگر هدایت کرده است، نه آمیزش مردان با هم یا زنان با هم که این، خلاف فطرت انسانی است. بر اساس فطرت، ازدواج بر اصل توالد و تناسل استوار است، نه فقط اشتراک بین دو موجود انسانی در زندگی. در نظام خلقت، زن برای مرد و مرد برای زن آفریده شده است (کج‌باف، ۱۳۷۸).

از این رو است که در آموزه‌های اسلامی به ویژه در قرآن کریم، همواره بر اصل ازدواج تأکید می‌کند و زن و مرد را لباس همدیگر معرفی می‌کند: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید» (بقره: ۱۸۷).

انحراف از این اصل سبب تمایل به هم‌جنس‌گرایی شده است. این عمل زشت برخلاف طبیعت و غرایز انسانی است و موجب سقوط و انحطاط انسان می‌شود و انسان را به ناپاکی سوق می‌دهد. قرآن کریم در چند مورد، داستان قوم لوط را گفته و در ضمن آن، عمل زشت و ناپسند لوط را سرزنش نموده، می‌فرماید:

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ (شعراء: ۱۶۵ و ۱۶۶).

آیا از میان مردم جهان، با مردها درمی‌آمیزید؟ و آنچه را پروردگارتان از همسرانتان برای شما آفریده، وامی‌گذارید؟ [نه!] بلکه شما مردمی تجاوزکارید.

همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ إِنَّكُمْ لَأَتَأْتُونَ الرَّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (اعراف: ۸۰ و ۸۱).

و لوط را [فرستادیم] هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا آن کار زشت [سی] را مرتکب می‌شوید که هیچ‌کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است؟ شما از روی شهوت، به جای زنان با مردان درمی‌آمیزید. آری! شما گروهی تجاوزکارید.

با توجه به آیه، جمله «لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ» به قرینه کلمه «شهوة» و همچنین به قرینه «مِن دُونِ النِّسَاءِ»، کنایه از عمل نامشروع مردان با مردان است، و این دو قرینه، افزون بر اینکه «اتیان الرجال» را معنا می‌کند، این معنا را نیز می‌رساند که قوم لوط، عمل زناشویی با زنان را ترک

گفته بودند و به مردان بسنده می کردند. قرآن کریم و آن را بدین دلیل که تجاوز و انحراف از قانون فطرت است، «اسراف» نامیده و فرموده: «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۳۲/۸).

سوم. مساحقه

مساحقه به عمل دو زن که از هم لذت جنسی می برند و با مالیدن آلت زنانه خود به هم، شهوت خود را فرومی نشانند، گفته می شود. در روایات اسلامی آمده است که نخستین قومی که مساحقه بینشان رواج یافت، قوم لوط بود که مردها به عمل لواط سرگرم شدند و زنان بی شوهر ماندند. پس به یکدیگر مشغول شدند، چنانچه مردان با هم مشغول بودند (حرعاملی، ۳۲۹/۱۴۰۹، ۲۰).

زنی خدمت حضرت امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: «زنانی که با یکدیگر مساحقه می کنند، حدشان چیست؟». امام فرمود:

حد [آنان]، زنا است (یکصد تازیانه). به راستی چون قیامت شود، آنها را می آورند و لباس هایی که از آتش بریده شده، بر تن آنان می کنند و مقعدهای آتشین بر سرشان می بندند و زیرجامه های آتشین به بدنشان می پوشانند و عمودهای آتشین در جوفشان فرومی کنند و آنها را در جهنم می اندازند. ای زن، قومی که مساحقه بین آنها رواج یافت، قوم لوط بودند که مردها به عمل لواط سرگرم شدند و زنان بی شوهر ماندند. پس به یکدیگر مشغول شدند، چنانکه مردان با هم مشغول بودند و هنگام نزول عذاب، همگی به هلاکت رسیدند (محدث نوری، ۲۶۱/۱۴۰۸، ۴).

همچنین امام صادق علیه السلام در پاسخ زن دیگری که از مساحقه زنان با یکدیگر پرسیده بود، فرمود: «در جهنم اند. چون قیامت شود، چادرهایی از آتش بر آنها پوشیده می گردد و عمودهای آتشین در باطن و عورت هایشان داخل می کنند و آنها را در جهنم می اندازند». زن گفت: «از این عمل در قرآن یاد شده؟» فرمود: «بلی». عرض کرد: «کجا؟» فرمود: «أَصْحَابَ الرَّسِّ» (فرقان: ۳۸)، (حرعاملی، ۱۴۰۹).

چهارم. زنا

زنا، ارتباط غیرقانونی و بدون ضابطه بین دو انسان است که گاهی، شکل خشن تجاوز جنسی به خود می گیرد. هنگامی که شخصی زنا می کند، از کرامت انسانی خود عبور کرده و به صورت حیوان درآمده است. به این دلیل، این عمل با شأن انسانی انسان، ناسازگار است

(رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ۳/۳۷۹). خداوند در قرآن کریم از نزدیک شدن به این عمل زشت نیز بازمی‌دارد و می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا»؛ و نزدیک زنا نشوید که کار بسیار زشت و بد راهی است».

شهید دستغیب در کتاب *گناهان کبیره* می‌نویسد:

شاید دقیق‌ترین تعبیری که در قرآن مجید از زنا شده، همین جمله «سَاءَ سَبِيلًا» باشد. این جمله می‌گوید عمل شنیع زنا یک راه طبیعی و خالی از خطر برای اطفای شهوت نیست. جامعه‌ای که شهوت خود را از طریق زنا اشیاع می‌کند، در یک جاده ناهموار و خطرناکی افتاده که عاقبت آن، دوری از مقصد و افتادن در پرتگاه‌های هولناک است. نیروی خدادادی شهوت برای ابقای نسل انسانی و ایجاد یک سلسله هیجان‌ات روحی و عاطفی در مرد و زن است که این هیجان‌ات، ضمن تشکیل خانواده، اطفای شهوت از یک طریق محدود و قانونی است، اما ارتکاب زنا، نه تنها اجتماع را به مقصد ابقای نسل نزدیک نمی‌کند، بلکه اجتماع را در هزاران دره مخوف پرت می‌کند که ده‌ها میلیون بیماران مقاربتی و میلیاردها دلار بودجه معالجه آنها و میلیون‌ها کودک بی‌سرپرست، تنها گوشه‌ای از این پرتگاه‌ها را نشان می‌دهد (دستغیب، ۱۳۸۹، ۱/۱۸۳).

همچنین قرآن کریم در آیه‌ای دیگر، زنا را گناهی بزرگ می‌شمارد و می‌فرماید:

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُخْلَدُ فِيهِ مُهَانًا (فرقان: ۶۸).

و کسانی‌اند که با خدا معبودی دیگر نمی‌خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است، جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هر کس اینها را انجام دهد، سزایش را دریافت خواهد کرد. برای او در روز قیامت عذاب، دوچندان می‌شود و پیوسته در آن خوار می‌ماند.

ب) علل و عوامل پیدایش انحراف‌های جنسی

ناگفته پیداست مهم‌ترین اقدام برای جلوگیری از انحراف جنسی، شناخت علل و عواملی است که زمینه‌ساز پیدایش این انحراف می‌شود. در ادامه، عواملی که سبب ورود افراد به دایره روابط جنسی نامشروع می‌گردد، بررسی خواهد شد. شایسته است پیش‌تر بیان شود

که عوامل، به میزان گنجایش این نوشتار بیان شده و نمی‌توان ادعا کرد که همه عوامل انحراف‌های جنسی مطرح و بررسی شده است.

۱. بی‌تقوایی

اگر فرد و جامعه مجهز به سلاح تقوا باشند، از بسیاری انحرافات و مشکلات جلوگیری می‌شود. خداوند در آیه ۷۸ سوره هود و نیز آیات ۱۶۱ و ۱۶۵ سوره شعرا، هم جنس‌بازی و انحراف‌های جنسی جامعه را از آثار بی‌تقوایی انسان برمی‌شمارد و برای بازسازی جامعه و قرار دادن آن در مسیر درست، بر تقویت بنیاد تقوا تأکید می‌کند. در حقیقت بی‌تقوایی، انسان را به سوی رفتارهای خلاف عقل و فاسد می‌کشانند و زمینه را برای بروز رفتارهای پرخطر اجتماعی از جمله ناهنجاری جنسی و اباحه‌گری فراهم می‌آورد.

مرحوم رافعی در این باره می‌گوید:

تقوا، سرچشمه زلال نیت مؤمنان نسبت به پروردگار است. پس هرگاه انسان بی‌تقوا شود، به وسیله آرزوهای شهوانی و نفسانی سرکش، ستمگر و منحرف می‌شود. روی برگرداندن از پروردگار و حقیر شمردن سرزنش‌ها و تهدیدهای خداوند، نشانه بی‌تقوایی است. پس اگر قلب هر کدام از اهل ایمان، به تقوای خدا جمع نگردد، به خدا نیز خاطر جمع نخواهند شد (شرباصی، ۱۳۷۹).

درباره اثرات بی‌تقوایی گفته شده است که زن بی‌تقوا در اثر ناز و کرشمه و حرکات شیطانی خود، باعث جلب توجه مردان ضعیف‌الایمان به خود می‌شود. در نتیجه، گاهی این‌گونه زنان باعث بی‌اعتنایی بعضی از مردان به زنان خود می‌شوند و سرانجام این زن بی‌تقوا، سبب سردی و ازهم‌پاشیدگی یک یا چند خانواده می‌گردد (محمدی‌نیا، ۱۳۸۰).

۲. روابط پیش از ازدواج

از عوامل مهم و اساسی که کانون گرم و پرمهر خانواده را به کانون سرد و بی‌مهر تبدیل خواهد کرد، ارتباط‌های پیش از ازدواج دختر و پسر است. شهید پاک‌نژاد بیان می‌دارد:

اولین عشق، اثر مخصوصی بر روان دارد و نفوذ خود را در ادامه زندگی؛ چه به صورت خوب و چه بد، از دست نمی‌دهد. نباید اجازه داد دختر و پسر احساسات و هیجانات موفق خود را جز نزد کسی که باید تا پایان عمر با او شریک زندگیش خواهد بود مصرف نماید. اگر پسر و دختری چیزی را خیلی بیشتر و بهتر از لذت



جنسی در زندگی پذیرفته‌اند، نباید قبل از ازدواج با یکدیگر رفیق و رفیقه باشند (پاک‌نژاد، بی‌تا).

استاد مطهری می‌نویسد:

جوانی که از دیدن رویی زیبا و مویی مجعد به خود می‌لرزد و از لمس دستی ظریف به خود می‌پیچد، باید بداند جز جریان مادی جوانی در کار نیست. این‌گونه عشق‌ها به سرعت می‌آید و به سرعت می‌رود، قابل اعتماد و توصیه نیست، خطرناک و فضیلت‌کش است، تنها با کمک عفاف و تقوا و تسلیم نشدن در برابر آن است که آدمی سود می‌برد... (مطهری، ۱۳۸۰).

پسری که پیش از ازدواج با دختران و زنان زیادی ارتباط داشته، به هنگام ازدواج به هر دختری که نظر کند، می‌پندارد او نیز با پسرهای متعددی ارتباط داشته و پاک و عفیف نیست. از این‌رو، دیده شده کسانی که پیش از ازدواج، دوستی‌های ناسالم داشته‌اند، پس از ازدواج نیز به این عادت زشت ادامه داده‌اند. فساد پس از ازدواج، بیشتر محصول عادات پیش از ازدواج است که در زیرعوامل سطحی مثل طلاق، نفرت از بچه‌داری و میل به تنوع‌طلبی نهان است (مقیمی حاجی، ۱۳۸۰). چنین خانواده‌ای محل امن و آرامی برای زندگی نخواهد بود. بنابراین، باید به دستورات اسلام توجه جدی داشت. اگر هدف، ایجاد و دستیابی به زندگی صحیح و سالم باشد، باید به دوستی‌های پیش از ازدواج توجه داشت؛ چراکه دلیل موجهی برای این ارتباط وجود ندارد و کانون خانواده را تهدید خواهد کرد.

۳. فقر مادی

از دیگر عواملی که سبب انحراف جوانان می‌گردد، فقر مادی است:

فقر به عنوان یک معضل اجتماعی آشکار و پنهان، دست در دست بسیاری از جرم‌ها و بزه‌کاری‌ها دارد. فقر هم به عنوان یک عامل بعید، نقشی که در تأخیر ازدواج دارد و هم به عنوان یک عامل قریب، در پیدایش و ترویج روسپی‌گری مؤثر است. زنان متأهلی که یا بدون همسر یا با همسر با تعدادی فرزند در جامعه رها شده‌اند، به دلیل نیاز اقتصادی و سیر کردن شکم خود، دست به رفتارهای ناهنجاری می‌زنند. هرچقدر پیدا کردن درآمد مشکل‌تر باشد، رفتن در این وادی برای آنان آسان‌تر است. کم‌سواد و بی‌مهارتی چنین زنانی فرصت شغلی را از آنان می‌گیرد. همان‌طور که تن دادن آنان به هر شغل می‌تواند آنان را قربانی کارفرمایان پلید سازد

و از سوی دیگر، فقر پسران مجرد نیز در تشدید انحراف جنسی زنان مؤثر است. عدم امکان ازدواج برای پسران مجرد، به معنای وجود خریداران متعدد برای بازار عرضه خدمات جنسی است (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵).

از همین رو، مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام در حدیثی بدین مضمون می فرماید: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا؛ هر آن نزدیک است که فقر به کفر منجر شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۶/۱۱).
با تدبیر در سوره اعراف آیه ۹۶ که می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ...؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم...» می توان راه مقابله با فقر و افتادن در دام هوس بازان را حفظ تقوا و پارسایی دانست.

۴. فقر عاطفی

مهم ترین عاملی که خانواده را استحکام می بخشد و از فروپاشی آن جلوگیری می کند، محبت است. اگر دل زن در گرو عشق و محبت شوهر باشد، هیچ عاملی نمی تواند زن را از مسیر عفت و پاکی خارج سازد. بسیاری از اختلاف ها و انحراف ها و ناسازگاری های زنان و فرزندان از نقطه ای آغاز می شود که مردان نسبت به زنان و فرزندان خود، محبت لازم را نشان نمی دهند.
امام صادق علیه السلام محبت به همسران را از اوصاف و اخلاق پیامبران بر شمرده است: «مِنَ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ حُبُّ النِّسَاءِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ۳۲۰/۵).

تافلر آلوین، نویسنده کتاب موج سوم می گوید:

امروز بار دیگر، انسان ها حس می کنند که شخصیتشان مانند پوسته تخم مرغی که به دیواری کوبیده شده باشد، خرد شده است، ولی برخلاف گذشته، گناه کنونی ناشی از گسیختگی خانواده است، نه عوامل اقتصادی. اینها نشانگر بحران عاطفه است و در تمدن جدید، عرصه را بر انسان امروز تنگ کرده است (تافلر آلوین، ۱۳۶۴).

پس می توان گفت در عصر حاضر، ریشه تمامی فرارها از فرار از بی مهری و پناه آوردن به محبت دیگری سرچشمه می گیرد.

۵. دوستان ناباب

در دوران نوجوانی، گرایش به دوست زیاد است و نوجوان، حرکات و الفاظ و رفتار دوستش



را نیز الگو و اسوه قرار می‌دهد و می‌کوشد خود را به رنگ او درآورد و از او تقلید کند و در این سن، اثر دوست بیش از اطرافیان می‌باشد (قاضی، ۱۳۸۴). قرآن کریم این مطلب را تأیید می‌کند و در آیه ۲۸، سوره فرقان می‌فرماید بسیاری از کسانی که در قیامت، گرفتار عذاب می‌شوند، علت این خسران را دوستان خود می‌دانند و می‌گویند: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا؛ ای وای! کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم».

دلیل انحراف جنسی بسیاری از دختران و پسرانی که فساد آلوده شدند، همین بوده است. محققان در این زمینه می‌گویند که دوستان فاسد، همواره فساد و آلودگی خود را به طور مستقیم به دوستان خود انتقال می‌دهند و آنان را آلوده می‌کنند. به ویژه با تحقیقاتی که انجام شده، ملاحظه شده دخترهایی که گرفتار عشق‌های کاذب و ناکام شده‌اند، سعی می‌کنند دوستان خود را هم مثل خود منحرف کنند. این امر در بین پسران نیز شایع است (برزگر شانی، ۱۳۸۶).

۶. عدم تمکین در امور زناشویی

از دیگر عوامل بروز انحرافات در جامعه، نارضایتی جنسی زن است؛ زیرا اگر میل جنسی زن به صورت صحیح پاسخ داده نشود، سعی خواهد کرد این کمبود را جبران کند. اگر زن از همسر خویش ارضا نشود، مرد را بی‌غیرت، ضعیف، بی‌عرضه و مریض خواهد دانست و در این هنگام، اخلاق او تند و نافرمان و نسبت به شوهر، بی‌محبت می‌گردد و از او اطاعت نمی‌کند و ممکن است نسبت به شوهر خود، خیانت کند و با مرد دیگری رابطه نامشروع برقرار کند. هنگامی که شهوت زن به درستی ارضا شود، احساس نشاط و آرامش می‌کند و اخلاق و رفتارش بهتر می‌شود. از این رو، زن در پی تشکر و قدردانی از مرد برمی‌آید و همیشه دوست دارد کاری کند که محبت او نزد شوهرش افزایش یابد (آواره، بی‌تا).

نارضایتی جنسی، هم از نظر اخلاقی بر رفتار زن و هم از لحاظ پزشکی بر جسم و روان او تأثیر بسزایی دارد. احادیث زیادی در این مورد به ما رسیده که نشان‌دهنده حساسیت و توجه دین اسلام به این مسئله می‌باشد. برای نمونه، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْجَفَاءِ أَنْ يَصْحَبَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فَلَا يَسْأَلُهُنَّ اسْمَهُ وَ كُنْيَتَهُ وَ أَنْ يَدْعِيَ الرَّجُلُ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يُجِيبُ أَوْ يُجِيبُ فَلَا يَأْكُلُ وَ مَوَاقِعَةُ الرَّجُلِ أَهْلَهُ قَبْلَ الْمَلَاعَةِ (حر

عاملی، ۱۲، ۱۴۰۹/۱۴۵).

سه چیز از ستم است؛ مردی با مرد دیگر همراه باشد و اسم و کنیه‌اش را نپرسد، شخصی به طعمای دعوت شود و اجابت نکند، آمیزش مرد با همسرش پیش از ملاعبه.

۷. اشتغال بانوان

زنی که شاغل است، در محیط کار خود با خطراتی روبه‌رو است که یکی از مهم‌ترین آنها، انحراف جنسی است. کسانی که از دین و ایمان بی‌بهره‌اند و یا ایمان ضعیفی دارند، گزینه و نفس سرکش خود را، به ویژه هنگام روبه‌رو شدن با عوامل هیجان‌انگیز و تحریک‌کننده از مدار طبیعی منحرف نموده و پا از دایره تقوا و عفاف بیرون می‌نهند و به انحراف جنسی آلوده می‌شوند.

حضرت علی علیه السلام بیرون رفتن زن از خانه را همانند این می‌داند که افراد ناصالح و ناباب به داخل خانه آورده شوند:

وَلَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ (نهج البلاغه، ۱۳۸۳).

بیرون رفتن زن بدتر از آن نیست که افراد ناصالح را در میان آنان آوری و اگر بتوانی به گونه‌ای زندگی کنی که غیر تو را نشناسد چنین کن.

اگر زن و افراد ناشایست در کنار هم باشند، زمینه اغوای زن و بروز انحراف او به وجود خواهد آمد. شهید مطهری به توضیح این مسئله می‌پردازد و می‌گوید:

نظر اسلام نه این است که زن از خانه بیرون نرود و نه اینکه حق تحصیل علم و دانش ندارد و نه فعالیت اقتصادی خاصی را برای او تحریم کند. اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بی‌کار نشیند، اما آنچه که موجب فلج کردن نیروی اجتماع است، آلوده کردن محیط کار به لذت‌جویی‌های شهوانی است. آیا اگر پسر و دختر در محیط جداگانه تحصیل کنند یا در یک محیط درس بخوانند و بدن خود را بپوشانند و هیچ‌گونه آرایش نداشته باشند، بهتر درس می‌خوانند و فکر می‌کنند و به سخن استاد گوش می‌دهند یا وقتی که کنار هر پسری یک دختر آرایش‌کرده باشد؟ (مطهری، ۱۳۷۳)

استفان مور درباره اشتغال زنان می‌گوید:

با تأیید مفرط بر حقوق فردی، اشتغال بانوان و استقلال اقتصادی آنان، سه اثر

مستقل بر نهاد خانواده بر جای گذاشت؛ اولاً ریسمان نیازمندی متقابل اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر را به یکدیگر سست کرد. ثانیاً به سبب عدم رسیدگی مطلوب و کامل بانوان به امور خانه و خانه‌داری، اختلافات خانوادگی و ناسازگاری را افزایش داد. ثالثاً قدرت چانه‌زنی زنان را برای طلاق، جدایی و رهایی از رنج زندگی مشترک افزود (هاجری، ۱۳۸۲).

مارتین سگالن نیز می‌نویسد:

در اکثر موارد، اشتغال زنان علت بروز شکاف در خانواده بود و مسئله‌ساز جلوه کرده است. کار زن در بیرون، برخلاف جوامع دهقانی به سوی کسب اهدافی شخصی و دارای ماهیتی متنوع است و در اکثر موارد، زن شاغل است که پرونده طلاق را به جریان می‌اندازد (هاجری، ۱۳۸۲).

۸. پوشش نامناسب

پوشش نامناسب، به ویژه لباس تنگ و چسبان در آستانه بلوغ و نوجوانی، در تحریک امیال غریزی و تقویت و افزایش هوس‌های شهوانی دختران و پسران، دو نقش متفاوت بیرونی و درونی دارد. در درون، لباس تنگ به ویژه در نواحی کمر و شکم، اثر تحریک موضعی دارد که منجر به تحریک اعضای تناسلی شده، تمایلات شهوانی را در نوجوان، بیدار و تقویت می‌کند. پژوهش‌های روان‌شناسی یکی از مهم‌ترین علل ابتلای نوجوانان و جوانان به استمنا را لباس و پوشش تنگ و چسبان دانسته‌اند. دو روان‌شناس معروف روسی به نام‌های کوچنکف و لاپیک در مورد ابتلای جوانان به استمنا می‌گویند:

تحریک آلت تناسلی بستگی به میزان جریان خون در نواحی کمر و لگن خاصره دارد و وقتی که خون در آن نواحی افزایش می‌یابد، این تحریکات بیشتر است و افزایش خون در لگن خاصره و کمر، معلول علل چندی است، از جمله افراط در مصرف غذاهای مقوی، استعمال آب در نوشابه‌ها و مایعات، غذاهای ادویه‌دار و استفاده از لباس‌های تنگ و چسبان (صبوری اردوبادی، ۱۳۷۴، ۲۵/۴).

قرآن کریم نیز از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خواهد که به زنان مؤمن بگوید روسری‌های خود را بر خویش فروافکنند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجَكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (احزاب: ۵۹).

ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلاب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فروافکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند)، خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

در تفسیر این آیه گفته‌اند:

این کار، هرگونه بهانه و مستمسکی را از دست مفسده‌جویان و نگاه هرزه‌طلبان می‌گیرد. لذا قرآن کریم از زنان مسلمان می‌خواهد در پوشیدن حجاب، سهل‌انگار و بی‌اعتنا نباشند، مثل بعضی از زنان بی‌بندوبار که آنچنان بی‌پروا و لابلالی هستند که غالباً قسمت‌هایی از بدن‌های آنان نمایان است و همین معنی، توجه افراد هرزه را به آنها جلب می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۱۷ / ۴۲۸).

۹. آزادی کاذب

استاد مطهری می‌گوید:

خداوند انسان را آزاد آفریده و اختیار به او داده. هر آزادی، تا اندازه‌ای که حق و حقوق دیگران پایمال نگردد، با ارزش است. آزادی در اسلام یک خط قرمز دارد که آن خط قرمز را شرع تعیین می‌کند. اسلام به پاکی انواع روابط جنسی میان زن و مرد توجه زیادی دارد و اصرار می‌ورزد که این روابط از راه قانونی و در محیط خانواده باشد، اما دنیای غرب این ارزش مهم انسانی را نادیده گرفته و به نام آزادی زن، روح جوانان را سخت فاسد کرده و نیروها و استعدادهای انسانی را به هدر داده و می‌دهد. در اثر این بی‌بندباری و دور افکندن قیود انسانی، جوانان از تحصیل و مدرسه فراری شده‌اند و ارزش رقاصه‌ها صد برابر دانشمندان و مصلحان شده است (مطهری، ۱۳۸۹).

قرآن کریم در این مورد به ماجرای یوسف پیامبر علیه السلام اشاره می‌کند که پس از رد کردن خواسته نامشروع زلیخا، به زندان رفتن تهدید شد تا شاید از تصمیم خود منصرف شود:

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنِّي فِيهِ وَ لَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَ لَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرُهُ لَيُصِجَّتْ وَ لَيَكُونَنَّ مِنَ الصَّاعِرِينَ (یوسف: ۳۲).

(همسر عزیز مصر) گفت: این همان کسی است که به خاطر (عشق) او، مرا سرزنش کردید. [آری!] من او را به خویشستن دعوت کردم و او خودداری کرد و اگر آنچه را دستور می‌دهم انجام ندهد، به زندان خواهد افتاد و مسلماً خوار و ذلیل خواهد شد.

یوسف که می دانست هر آزادبودنی ارزش نیست، این آزادی را زمینه ساز انحراف و اسارت در دام شیطان می دانست، با سخنی بسیار پر محتوا در پاسخ زلیخا گفت: «قَالَ رَبِّ السَّجُنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونِي إِلَيْهِ...» (یوسف) گفت: پروردگارا، زندان نزد من محبوب تر است از آنچه اینها مرا به سوی آن می خوانند» (یوسف: ۳۳).

۱۰. دیدن تصاویر و صحنه های مستهجن

یکی دیگر از عواملی که جوانان را به فساد و تباهی می کشاند، نگاه به تصاویر مبتذل و مستهجن است. در آموزه های اسلامی، به نقش ویرانگر آن در تخریب سلامت اخلاقی فرد و جامعه اشاره شده است و پیامبر اکرم ﷺ آن را تیری از تیرهای شیطان معرفی می فرماید: «الْتَّظَرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ؛ نگاه، تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۳۸/۱۰۱). البته ناگفته پیداست که منظور از نگاه در این حدیث شریف، هر نگاهی نیست، بلکه دیدن منظره های نامناسب و فسادانگیز، مراد است.

پژوهش گران بر این باورند که تصاویر و فیلم های نامناسب، مستهجن و حاوی خشونت، اثرات شومی بر انحرافات جوانان و تحریک غرایز جنسی آنان دارد. این تحریکات، سرانجام آنان را به خشونت و جنایات، شهوت رانی و عشق زودگذر می کشاند و عشق و میل جنسی که از این مسیر آمده باشد، چون همراه ایمان و معنویت نیست، آنان را به سمت خودکشی می کشاند. دیدن این فیلم ها و تصاویر، باعث بلوغ زودرس جنسی خواهد شد. تا جایی که پسر پنج ساله آمریکایی به معالجه سوزاک تحت درمان قرار گرفت؛ زیرا یک دختر نه ساله او را آلوده کرده بود (وحید، ۱۳۸۲).

۱۱. موسیقی و غنا

موسیقی، تأثیر زیادی بر ذهن فرد دارد. انسانی که به موسیقی گوش می دهد، می کوشد تصویرسازی کند و این تصویرسازی، سرآغاز مراحل بعدی انحراف می شود. یکی از شاگردان امام صادق علیه السلام به نام هشام از آن حضرت در تفسیر آیه «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ؛ پس، از پلیدی بت ها دوری کنید و از گفتار باطل اجتناب ورزید» (حج: ۳۰)، نقل می کند که امام فرمود: «منظور از گفتار باطل، غنا و آوازه خوانی است» (حر عاملی، ۱۴۰۹).

شهید مطهری از کتاب مروج الذهب نقل می کند که در زمان عبدالملک یا یکی دیگر از

خلفای بنی‌امیه که لهو و موسیقی رایج شده بود، به خلیفه خبر دادند که فلان کس خواننده است و کنیز زیبایی دارد که او نیز خواننده است و تمام جوان‌های مدینه را فاسد کرده و اگر به کار او نرسید، این زن تمام مدینه را فاسد می‌کند. خلیفه دستور داد که غل به گردن آن مرد انداختند و آنها را به شام بردند. وقتی در حضور خلیفه نشستند، آن مرد گفت: «معلوم نیست که آنچه او می‌خواند، غنا باشد» و از خلیفه خواست که خود امتحان کند. خلیفه دستور داد که کنیز بخواند. او شروع به خواندن کرد. کمی که خواند، دید سر خلیفه تکان می‌خورد. کم‌کم کار به جایی رسید که خلیفه چهار دست و پا راه می‌رفت و می‌گفت: «بیا جانم به این مرکوب خودت سوار شو!» (مطهری، ۱۳۸۲).

پروفسور ولف آدلر می‌گوید:

موسیقی علاوه بر اینکه سلسله اعصاب ما را بر اثر جلب دقت، خارج از حد طبیعی آن خسته می‌کند، عمل ارتعاش صوتی که در موسیقی ادغام می‌شود، تولید تفرقی خارج از حد طبیعی در پوست می‌نماید که بسیار زیانمند است و ممکن است منشأ امراض دیگر بشود. بهترین و دلکش‌ترین نوارهای موسیقی، شوم‌ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان می‌گذارد، مخصوصاً اگر هوا گرم باشد این تأثیر مخرب خیلی زیاد می‌شود (سهراب‌پور، ۱۳۸۷).

۱۲. ازدواج بر اساس مادیات و شهوت

ازدواج بر اساس هوی و هوس، جاه‌طلبی و مال‌اندوزی، نتیجه‌ای جز ندامت و پشیمانی نخواهد داشت؛ زیرا چنین ازدواج‌هایی بر مبنای غرض‌های غیر عقلی و منطقی و بدون ریشه صورت می‌گیرند. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لِمَالِهَا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِجَمَاهَا رَأَى فِيهَا مَا يَكْرَهُ وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ (طوسی، ۱۳۶۵، ۷/۳۹۹).

کسی که با زنی به جهت مال و منالش ازدواج کند، خداوند او را به آن ثروت واگذار می‌کند و هر کس به جهت زیبایی زن با وی زناشویی کند، سرانجام پشیمان می‌گردد و اما اگر دیانت و تقوای کسی را در نظر بگیرد، خداوند همه اینها را به وی مرحمت می‌کند.

اگر زن ثروتمند، دیانت نداشته باشد، ثروت خود را به رخ شوهرش کشیده، روح و روان او را آزار می‌دهد و موجب اختلاف و گاهی طلاق و جدایی می‌گردد. زن زیبا نیز اگر تقوای

الهی نداشته باشد، در دام هوس‌رانان فاسد و عیاشان انسان‌نما قرار گرفته، افکار همسرش را پریشان می‌سازد. نتیجه ازدواج با افراد دیندار و بااخلاق و عفیف سعادت و آرامش روحی است؛ زیرا چنین همسرانی با خوی همسر خود می‌سازند و در کارها به او کمک می‌کنند و فرزندان خود را پرورش نیکو می‌دهند و به درآمد شوهر خویش توجه دارند و در هزینه زندگی صرفه‌جویی می‌نمایند و اگر کمبودی در مال و جمال داشته باشد، با اخلاق و دیانت آن را جبران می‌کنند.

۱۳. بی‌غیرتی مردان

در مسایل جنسی غیرت، پاسبانی است که آفرینش برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسل‌ها در وجود بشر گذاشته است؛ به تعبیر دیگر، غیرت مأموریتی است از سوی خداوند به مردان تا از آلودگی نسل بشر به فساد و انحراف و آلودگی‌های جنسی جلوگیری نماید. اگر مردان در حفظ محل نگهداری بذر انسانی غیرت نورزند، رابطه انسان‌ها از هم گسسته می‌شود و نه فرزندی پدر خود را می‌شناسد و نه پدری می‌داند که فرزندش کیست. حاصل این گسست، چیزی جز تزلزل خانواده و در فروپاشی نظام اجتماعی نیست (شریفی، ۱۳۸۵).

امام صادق علیه السلام غیرت را از صفات خداوند معرفی می‌کند و می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَلِغَيْرَتِهِ حَرَمَ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرَهَا وَ
بَاطِنَهَا (کلینی، ۱۳۶۵، ۵/۵۳۵).

خداوند غیرتمند است و هر انسان غیرتمندی را دوست دارد و برای غیرتش، گناهان زشت را؛ چه آشکار و چه پنهان، حرام کرده است.

حضرت علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «ما زنی غیور قط؛ غیرتمند هرگز زنا نمی‌کند»

(نهج البلاغه، ۱۳۸۳). انسان غیور به ناموس دیگران چون ناموس خود می‌نگرد و در مورد آنها حساس است. بی‌غیرت کسی است که پا در مسیر انحراف می‌گذارد و از بی‌عفتی خود و نوامیس خود رنجی نمی‌برد. جوان مسلمان هم باید در مورد ناموس دیگران غیرت داشته باشد و به ناموس دیگران خیانت نکند و هم نگاهبان ناموس خود باشد و نه فقط او را در برابر دید دیگران قرار ندهد، بلکه با قدرت از هر نگاه ناروایی جلوگیری کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْغَيْرَةُ مِنَ الْإِيْمَانِ وَالْبَدَاءُ مِنَ النِّفَاقِ؛ غیرت از ایمان و بی‌غیرتی و بی‌تفاوتی در مقابل

ناموس، از نشانه‌های نفاق و بی‌ایمانی است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۳۴۲/۶۸). امام علی علیه السلام نیز ارزش مرد را این گونه توصیف می‌کند: «... وَعَفَّتْهُ عَلَيَّ قَدْرٌ غَيْرَتِهِ؛ عفت و پاکدامنی مرد به اندازه غیرت اوست» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۵۱/۱۵).

با چنین تأکیدهایی، مسلمان نباید نسبت به رفت‌وآمد و یا بی‌حجابی همسر خود بی‌تفاوت باشد. در روان‌شناسی جنسی آمده است که مرد باید نگرهبان زن خویش باشد؛ نسبت به حرکت‌های همسرش حساسیت نشان دهد، به خصوص هنگامی که احتمال روابط ناسالم وجود داشته باشد. اگر کسی چنین حساسیتی نداشته باشد و بداند که همسر او، عمل فسق انجام می‌دهد، این بی‌تفاوتی از نشانه‌ها و پیامدهای بی‌غیرتی نسبت به همسر می‌باشد (کجیاف، ۱۳۷۸).

در سرزنش چنین فردی از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده: «ثَلَاثَةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُمْ صَلَاةً مِنْهُمْ الدِّيُّوْتُ الَّذِي يُفَجِّرُ بِأَمْرَاتِهِ؛ نماز سه نفر قبول نیست؛ یکی از آنها مردان بی‌غیرت هستند که به زنان آنها تجاوز می‌شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۲۸/۲۰).

۱۴. شرب خمر و قمار

شرب خمر از محرماتی است که انجام آن، مستوجب عقاب و عذاب الهی و ترک آن واجب است. شیطان به این وسیله، بین افراد جامعه کینه و دشمنی می‌اندازد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائده: ۹۰).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطان‌اند. پس، از آنها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید.

رواج خمر و قمار در جامعه اسلامی، زمینه مناسب را برای پذیرش فرهنگ بیگانه آماده می‌کند و از آنجا که از بین‌برنده عقل انسان است، در آن حالت هر عمل قبیحی از انسان سر می‌زند و هر فسق و فجوری را مرتکب می‌شود. امام باقر علیه السلام در مذمت شراب‌خواری و پیامدهای منفی آن برای جامعه می‌فرماید:

مُدْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَثَنٌ تُورِثُهُ الْإِرْتِعَاشَ وَتَذْهَبُ بِنُورِهِ وَتَهْدِمُ مَرْوَةَ وَتَحْمِلُهُ عَلَى أَنْ يَجْسَرَ عَلَى الْمَحَارِمِ مِنْ سَفْكِ الدَّمَاءِ وَرُكُوبِ الزَّنَا فَلَا يَأْمَنُ إِذَا سَكِرَ أَنْ يَتَّبِعَ

عَلَى حَرَمِهِ وَهُوَ لَا يَعْقِلُ ذَلِكَ وَالْخَمْرُ لَا يَزِدَادُ شَرِبَهَا إِلَّا كَلَّ سُوءٍ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲۴۲).

دائم الخمر مانند بت پرست است. شراب، رعشه بدن را پدید می آورد و نور بدن را می برد و مردانگی و انصاف و مروت را نابود می کند. شراب است که شرابخوار را وادار بر جسارت به نزدیکان و اقوام و خویشان و خون ریزی و زنا می کند. حتی در هنگام مستی نمی تواند از زنا با محارم ایمن باشد. او پس از مستی این کار را بی توجه انجام می دهد و شراب وادارکننده به هر نوع شر و اعمال ضد انسانی است. همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالْخَمْرَ فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ؛ از خمر دوری کنید؛ زیرا آن کلید همه بدی ها است» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۴۵/۱۷).

نتیجه گیری

با توجه به آنچه بیان شد، می توان انحراف های جنسی را از جمله اعمال و افعالی نام برد که مخالف طبیعت و فطرت انسان است و ضربه و جنایتی بر روح و جسم است. انحراف های جنسی، پیامدهای خطرناکی دارد که گریبان گیر شخص منحرف، جامعه و نسل آینده می شود و چه بسا آثار شوم آن تا ابد باقی بماند. به همین دلیل، اسلام که دین فطرت است، با این ناهنجاری مبارزه کرده، انسان مؤمن را به عوامل پیدایش این انحراف ها و ناهنجاری ها آگاه می نماید و نسبت به بروز آن هشدار می دهد. البته ریشه بسیاری از چنین انحراف هایی به محیط نامناسب خانواده برمی گردد و تدبیر مناسب در تربیت فرزند و رعایت آیین همسررداری، نقش بسزایی در جلوگیری از این انحرافات و حفظ کیان و کانون خانواده و جامعه خواهد داشت.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد بن زکریا. (۱۴۰۴ق). معجم مقانیس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. آواره، محمدابراهیم. (بی تا). قانون قوه باه: آداب زناشویی امیرالمؤمنین. قم: انتشارات سلسله.
۳. برزگرشانی، یعقوب. (۱۳۸۶). بحران معنویت و راهکارهای هدایتی قرآن. مشهد: مؤسسه فرهنگی و هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب.
۴. پاک‌نژاد، رضا. (بی تا). روش شوهرداری در اسلام. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
۵. تافلر آلوین. (۱۳۸۶). موج سوم. قم: بوستان کتاب.
۶. حرّعاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹هـ ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البتیت.
۷. حسین خانی، هادی. (۱۳۸۷). هفت روش پیشگیری از انحرافات جنسی. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۸. حیدری نراقی، علی محمد. (۱۳۸۵). بررسی گناهان کبیره. قم: انتشارات مهدی نراقی.
۹. دستغیب، عبدالحسین. (۱۳۸۹). گناهان کبیره. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. دهقان، احمد. (۱۳۸۰). پرسش‌ها و پاسخ‌های روز. قم: لاهیجی.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۵). المفردات فی غریب القرآن. ترجمه سیدغلامرضا خسرویحسینی. تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۵). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۳. ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۸). آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: آوای نور.
۱۴. سهراب‌پور، همت. (۱۳۸۷). جوانان در طوفان غرایز. قم: بوستان کتاب.
۱۵. شرباصی، احمد. (۱۳۷۹). دایره‌المعارف اخلاقی قرآنی. مترجم: محمد بهاء‌الدین حسینی. سنندج: تازه نگاه.
۱۶. شریفی، حسن. (۱۳۸۵). ازدواج موقت و چالش‌ها. قم: بوستان کتاب.
۱۷. شفیع سرورستانی، ابراهیم. (۱۳۸۵). نظام اسلامی و مسأله روسپی‌گری. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۸. صبوری اردوبادی، احمد. (۱۳۷۴). آیین بهزیستی اسلام. بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴هـ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۰. فاضل مقداد، جمال‌الدین مقدادبن عبدالله. (۱۴۱۹هـ ق). کنز‌العرفان فی فقه القرآن. بی جا: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۲۱. فقیهی، علی نقی. (بی تا). تربیت جنسی. تهران: امیرکبیر.
۲۲. قاضی، فاطمه. (۱۳۸۴). حجاب دختران: حجاب اسلامی و بهداشت خانواده. قم: گلستان ادب.
۲۳. قائمی، علی. (۱۳۷۲). خانواده و مسائل جنسی کودکان. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
۲۴. کج‌یاف، محمدباقر. (۱۳۷۸). روانشناسی رفتار جنسی. تهران: نشر روان.
۲۵. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
۲۶. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴هـ ق). بحارالأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۷. محدث نوری، میرزااحسین. (۱۴۰۸هـ ق). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل‌البتیت.
۲۸. محمدنی‌نیا، اسدالله. (۱۳۸۰). آن چه یک زن باید بداند. قم: انتشارات علمی و فرهنگی صاحب الزمان.
۲۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۳۰. _____ . (۱۳۸۰). جاذبه و دافعه علی علیه السلام. قم: صدرا.
۳۱. _____ . (۱۳۷۳). مسأله حجاب. تهران: صدرا.
۳۲. _____ . (۱۳۸۹). مقام زن. بی جا: دانشگاه امام صادق.
۳۳. مقیمی حاجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۰). جوانان و روابط. قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم.
۳۴. نهج البلاغه. (۱۳۸۳). ترجمه محمد دشتی. قم: الهادی.
۳۵. وحید، رضا. (۱۳۸۲). علل بزهکاری نوجوانان. تهران: نشر عابد.
۳۶. هاجری، عبدالرسول. (۱۳۸۲). فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش‌رو. قم: بوستان کتاب.

